

حوزه ارتباط زمان و مکان نزول و تفسیر قرآن

اسمعیل سلطانی بیرامی*

نقیسه سادات موسوی زاده**

چکیده

آگاهی از «زمان و مکان نزول» آیات قرآن یکی از قرآینی است که مفسر می‌تواند در درک مقصود آیات از آن یاری بگیرد و به کمک آن، تفسیر صحیح را از غیر صحیح بازشناسد. از این رو، بی‌توجهی به آن، مراد برخی آیات را مبهم یا متشابه می‌نماید. نقش زمان و مکان نزول بر تفسیر قرآن و تعیین حوزه کاربرد آن در فهم مقصود آیات قرآن کریم نیازمند تبیین است. زمان و مکان نزول در فهم معنا و مفهوم لغات قرآنی، فهم معنای کلی محتوای سوره‌ها و فهم مقصود آیات ابزاری کارآمد به شمار می‌آید. این قرینه با تصدیق یا ابطال روایات اسباب نزول، شناخت مصادیق آیات را روشن و راه را برای آگاهی از حکمت نزول هموار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: زمان نزول آیات، مکان نزول آیات، نزول قرآن، تفسیر قرآن.

مقدمه

هر سخن در هر زمان و موقعیتی معانی متفاوتی افاده می‌کند. به طور قطع نزول هر آیه و سوره‌ای که در زمان و مکان خاصی بوده است، خود قرینه‌ای است برای بررسی مراد آیات و پرده برداشتن از چهره برخی آیات. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که شناخت زمان و مکان نزول چه تأثیری بر فهم و تفسیر قرآن کریم دارد؟ و بر آن است که با کشف مواردی از تأثیرپذیری فهم آیات قرآن کریم از زمان و مکان نزول لزوم شناخت این قرینه را تبیین سازد و روشن کند که بی توجهی به آن، یکی از آسیب‌های تفسیر به شمار می‌آید. توجه به این حقیقت باعث شده است بسیاری از مفسران به اهمیت تاریخ و مکان نزول آیات پی برده، پیش از ورود به تفسیر و بیان معانی آیات، به زمان و مکان نزول آیات اشاره کنند.^(۱)

سؤال‌های فرعی پژوهش عبارتند از: ۱. شناخت زمان و مکان نزول چه تأثیری بر صحت و سقم روایات اسباب نزول دارد؟ ۲. قرینه زمان و مکان نزول چه تأثیری بر قاعده‌مند کردن تفسیر قرآن دارد؟

وجود روایاتی در زمینه اسباب نزول، ناسخ و منسوخ و تاریخ اسلام و... مؤید این مطلب است که قدمت تاریخ‌گذاری قرآن به صدر اسلام می‌رسد^(۲) و در این زمینه نیز کتاب‌های تفسیری که به ترتیب نزول نگارش شده، موجود است.^(۳) بسیاری از اندیشمندان علوم قرآنی هم در کنار دیگر مباحث قرآنی، آیه‌ها و سوره‌های مکی و مدنی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند؛^(۴) اما شناخت زمان و مکان نزول قرآن تا چه حد بر دیدگاه‌های مفسران اثرگذار بوده و در فهم مقصود آیات از این قرائن کمک گرفته‌اند، نگاهی نو در این مباحث به شمار می‌آید.

این پژوهش با تحلیل آیات و بیان زمان و مکان نزول آنها به روش کتابخانه‌ای اثرگذاری آگاهی از زمان و مکان نزول آیات در تفسیر را نشان می‌دهد.

مفهوم‌شناسی

واژگان «نزول قرآن»، «زمان نزول قرآن»، «مکان نزول قرآن»، و «تفسیر» از مفاهیم کلیدی مقاله است که ایضاح و بیان مراد از آنها ضرورت دارد؛ از این رو، معنای آنها را در این مقاله بیان می‌کنیم:

الف. نزول قرآن

واژه «نزول» از «نزل» به معنای «فرود آمدن یا فرو

افتادن»^(۵) از بالا به پایین است^(۶) و نیز به معنای «جاگیر شدن و در جایی اقامت افکندن» است.^(۷) برخی اهل لغت «نزول» را به معنای «هبوط» آوردند.^(۸) اما کسانی بین این دو فرق گذاشته و گفته‌اند: «هبوط» به معنای فرود آمدن قهری است مانند فرود آمدن سنگ^(۹) و در کاربرد آن در مورد انسان بر تحقیر و نقص دلالت دارد،^(۱۰) برخلاف «نزول»؛ این لفظ درباره مواردی چون ملائکه^(۱۱) و باران^(۱۲) به کار رفته و به عظمت و شرافت اشاره دارد.^(۱۳) در «هبوط» به مقصد فرود، جایی که غیر از مبدأ است توجه می‌شود، اما در «نزول» مبدأ، جای اولی که چیزی می‌خواهد از آن جدا شود، مورد نظر است و به استقرار یافتن در جای دوم توجهی نمی‌شود.^(۱۴) کلمه «نزول» با مشتقاتش در مجموع ۲۹۳ مرتبه در قرآن کریم آمده است.

نزول سه کاربرد دارد: ۱. در امور مادی مانند نزول باران از آسمان؛ ۲. نزول اعتباری مانند نزول حاکم از تخت که به معنای از دست دادن مقام حکومت است؛ ۳. نزول رتبی و معنوی مانند نزول از عالم مجرد به عالم ماده. بی تردید در زمینه نزول قرآن هیچ‌یک از معانی لغوی که بر نزول مادی و مکانی دلالت دارد نمی‌تواند مورد نظر باشد؛ زیرا قرآن کریم که مرتبه‌ای از علم خداوند متعال است، جسم نیست تا در مکانی قرار گیرد یا از بالا به پایین

برای پیامبر ﷺ بوده است^(۲۷) و از طرفی، رسالت اسلام با انواع بحران‌های سیاسی، فرهنگ‌ها و پرسش‌های مختلف مشرکان رویارو بوده است. موضع‌گیری‌های مناسب و تفسیر و تبیین متناسب پیامبر ﷺ نیازمند آن بوده است که نزول قرآن به شکل تدریجی انجام پذیرد.^(۲۸) ویژگی نزول تدریجی این کتاب آسمانی، بیانگر قابلیت تعیین زمان نزول هر یک از آیات و سوره‌های قرآن کریم است.

ج. مکان نزول

«مکان^(۲۹)» اسم ظرف است و به «جای، محل، جایگاه،^(۳۰) موضع بودن چیزی، قرارگاه هر چیز از زمین و جای شیء^(۳۱)» معنا شده است. این واژه به نظر بعضی از اهل لغت مشتق از «کون»؛ «بودن و هستی» است که بر اثر کثرت استعمال به معنی مطلق «جا» به کار رفته است.^(۳۲) بعضی دیگر معتقدند مکان از ماده «مکن» یعنی «جایی که چیزی را دربر می‌گیرد».^(۳۳) کلمه «مکان» با دیگر مشتقاتش ۳۲ مرتبه به معانی «جای، جایگاه، جایگزین و وضع و موقع» در قرآن کریم به کار رفته است. در این نوشته منظور از «مکان نزول» عبارت است از: هر جا و هر شهری که پیامبر ﷺ به آنجا قدم گذارده‌اند و آیاتی از قرآن کریم بر آن حضرت نازل شده است.

د. تفسیر

مصدر باب تفعیل از ماده «فسر» به معنای «ابانه»^(۳۴) «بیان»^(۳۵) «تفصیل کتاب»^(۳۶) «کشف»^(۳۷) و آشکار نمودن امر پوشیده^(۳۸) و «توضیح دادن»^(۳۹) است. معنای مشترک میان آنها بیان نمودن و آشکار کردن است. به نظر برخی لغت‌دانان، این واژه در ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید (باب تفعیل) به یک معناست؛^(۴۰) ولی از آنجا که

فرو فرستاده شود. بنابراین با وجود اختلاف نظر در میان دانشمندان علوم قرآنی،^(۱۵) باید واژه «نزول» را در مورد قرآن به معنای معنوی و رتبی به کار برد. منظور از «نزول قرآن کریم» ظهور وحی در پیامبر اکرم ﷺ است؛ نزول معنوی و روحانی که تنها ایشان حقیقت آن را درک می‌کردند.^(۱۶) بدین معنا که قرآن حقیقتی والا است که منشأ اصلی آن علم ذاتی خداوند است و از آنجا که دور از دسترس فهم متعارف انسان‌هاست خدای رحمان و رحیم برای تمام کردن عنایت و رحمت خویش آن حقیقت را به مرتبه ظهور فعلی رسانده و در قالب الفاظ متجلی ساخته و به پیامبر خویش وحی کرده است.^(۱۷) به اعتبار بلندی مقام خدای تعالی و پایین بودن مقام عبودیت است که آمدن قرآن از آن مقام به این مقام «نزول» نام گرفته است.^(۱۸)

ب. زمان نزول

«زمان^(۱۹)» از ریشه «زمن»، «از لغات مشترک میان عرب و عجم» است^(۲۰) و به «اسمی که برای وقت، چه کم باشد و چه زیاد^(۲۱)»، «عصر^(۲۲)» و «چیزی که دائم در حرکت است^(۲۳)»، «هنگام، دور و عهد^(۲۴)»، «زمانه، روزگار، دهر^(۲۵)» و... معنا شده است. در این تحقیق «زمان نزول» عبارت است از: اوقاتی که بخش‌هایی از آیات قرآن کریم بر حضرت محمد ﷺ وحی شده است.

به نظر عده‌ای از دانشمندان، قرآن کریم دو نزول داشته است: ۱. نزول دفعی؛ ۲. نزول تدریجی.

آنها، آیه شریفه ﴿... كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾ (هود: ۱)؛ «... [این] کتابی است که آیت‌های آن از نزد دانایی باحکمت و آگاه استوار و پایدار گشته [که به کتابی دیگر منسوخ نشود] و آن‌گاه به تفصیل بیان شده است»^(۲۶) را شاهد بر اندیشه تعدد نزول قرآن گرفته‌اند.^(۲۶) نزول تدریجی قرآن از یک طرف امداد معنوی مستمر

الف. **سوره آل عمران:** این سوره مدنی^(۴۷) است که سال‌های دوم و سوم در خلال جنگ‌های بدر و احد نازل شده است. در این زمان جامعه مسلمانان از یک طرف با فتنه‌جویی‌ها و آشوب‌های یهود و نصاری در میان خود روبه‌رو بود که باید برای خاموش کردن آن بسیار احتجاج و بگومگو می‌کرد و از سوی دیگر با مشرکان درگیر جنگ بود. مسلمانان همیشه در حال آماده باش بودند؛ چون هر لحظه تهدید می‌شدند. علاوه بر این، اسلام در آن روزها در حال انتشار و آوازه‌اش همه جا را پر کرده بود. لذا امپراتوری‌های بزرگی چون ایران و روم نیز به اسلام چنگ و دندان نشان می‌دادند. با این سابقه ذهنی می‌بینیم آیات این سوره شریفه دارای چنین مضامینی است: سخن از جنگ احد^(۴۸) و تحریک به مبارزه با مشرکان،^(۴۹) واقعه مباحله^(۵۰) و یادآوری کارهای یهود.^(۵۱) از این رو، خداوند در این سوره مسلمانان را به صبر فرا می‌خواند و سفارش می‌کند که دست به دست یکدیگر دهند^(۵۲) و وحدت را بین خودشان انسجام بخشند.^(۵۳)

ب. **سوره مائده:** مفسران و تاریخ‌نگاران اتفاق نظر دارند که مائده آخرین سوره‌ای است که در اواخر حیات رسول الله ﷺ نازل شد.^(۵۴) با این شناخت اگر در آیات سوره دقت کنیم درمی‌یابیم که غرض جامع سوره دعوت به وفا عهد^(۵۵) و پایداری در پیمان‌ها و تهدید شدید از شکستن حدود و میثاق‌هایی است که در دین گرفته شده است.^(۵۶) می‌بینیم داستان‌هایی از پیمان‌شکنی‌های بنی اسرائیل^(۵۷) و همچنین داستان مائده عیسی عَلَيْهِ السَّلَام^(۵۸) نقل شده و بسیاری از احکام حدود و قصاص در این سوره بیان شده است.^(۵۹) از این رو، خدای متعال در آیاتی بر مردم منت گذاشته که احکام و دستورهایی برایشان تشریح کرده که مایه طهارت آنهاست و در عین حال هیچ عسر و حرجی ندارد؛^(۶۰) دینشان را کامل کرده و نعمت را بر ایشان تمام^(۶۱) نموده است.^(۶۲)

یکی از معانی باب تفعیل مبالغه است و با توجه به اینکه «اضافة المبانی تدل علی اضافة المعانی» نظر کسانی که آن را مبالغه معنای فسر دانسته‌اند^(۴۱) تأیید می‌شود. بنابراین، تفسیر به معنای «به خوبی آشکار کردن» است. این واژه یک بار به همین معنا در قرآن کریم به کار رفته است.^(۴۲) برای «تفسیر» تعریف‌های متعددی ارائه شده است.^(۴۳) بهترین تعریف از این قرار است: تفسیر قرآن کریم یعنی بیان مفاهیم^(۴۴) آیات قرآن و آشکار کردن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره‌ای.^(۴۵) با این توضیح که بیان معانی ظاهر الفاظی که به ذهن متبادر می‌شود نیز تفسیر است؛ چون نوعی آشکار کردن معنای پنهان است.^(۴۶)

حال پس از مفهوم‌شناسی، کیفیت اثرگذاری زمان و مکان نزول بر فهم قرآن را در حوزه‌های گوناگون بررسی می‌کنیم:

۱. حوزه فهم محتوای کلی سوره

از شمار نکات مثبت برخی تفاسیر مانند تفسیر گران سنگ **المیزان**، اشاره به محتوای کلی سوره‌های قرآن در ابتدای تفسیر سوره است. با دانستن زمان و مکان نزول، بر فضایی که سوره‌ها در آن نازل شده آگاهی می‌یابیم و تصویر کلی از مضامین آن در ذهن نقش می‌بندد که ما را در جهت فهم بهتر آیات سوره یاری می‌رساند. موارد اثرگذاری شناخت مکان نزول بر تفسیر در جهاتی شبیه به تأثیرات زمان نزول است؛ هریک را جداگانه بررسی می‌کنیم:

۱-۱. آگاهی از زمان نزول

توجه به زمان نزول، راه برداشت صحیح از مضامین سوره‌ها را هموار می‌سازد. در این باب به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

۲-۱. آگاهی از مکان نزول

با آگاهی از محل نزول سوره‌ها، مقصود آیات شناخته می‌شود؛ زیرا مباحث یک سوره با موقعیت و محل نزول آن تطبیق می‌کند. به نمونه‌ای توجه فرمایید:

سوره انبیاء: محل نزول این سوره مکه است؛ سرزمینی که مردم آن مشرک بودند و بت می‌پرستیدند. از مباحثی که در سوره‌های مکه برای اصلاح اعتقاد مردم بدان پرداخته شده، اصول دین (توحید، نبوت و معاد) است. به یقین وقتی افکار و عقاید مردم تصحیح شود، رفتار آنها نیز تغییر خواهد کرد. (۶۳)

غرض سوره انبیاء تبیین موضوع نبوت است که ابتدا مباحث توحید و معاد را زیر بنا قرار داده (۶۴) و برای مردم آشکار می‌سازد آن روزی که مردم از آن غافل‌اند نزدیک است. (۶۵) روزی که ملاک حساب آن، پذیرفتن یا نپذیرفتن دعوت حقی است که متضمن وحی آسمانی است؛ (۶۶) سپس نبوت خاتم انبیا و نسبت ساحر دادن به وی (۶۷) و استهزای ایشان (۶۸) را طرح نموده و با بازگفتن شرح حال شماری از پیامبران گذشته، (۶۹) گفتار مردم را - به اجمال - رد می‌نماید و ذکر می‌کند پیامبر ﷺ مانند دیگر پیامبران این گفتارها را خواهد شنید. (۷۰) این آیات دلیل اعراض مردم از نبوت را اعراض از توحید معرفی می‌کند. به همین دلیل بر توحید حجت و برهان می‌آورد؛ (۷۱) در پایان، روز قیامت را یادآور می‌شود (۷۲) و خاطر نشان می‌کند عاقبت نیک از آن متقین خواهد بود و در این دنیا سرانجام، بندگان صالح، زمین را به ارث می‌برند. (۷۳)

ملاحظه گردید که شناخت زمان و مکان نزول، بر درک ما از مفهوم کلی سوره‌ها می‌افزاید و می‌تواند ما را در الگو گرفتن از شیوه برخورد اسلام با مسائل روز یاری رساند.

۲-۲. حوزه فهم معنای صحیح واژگان قرآنی

از دیگر حوزه‌های تأثیر آگاهی از زمان و مکان نزول آیات در تفسیر، حوزه فهم معانی واژگان است. به این نمونه‌ها توجه فرمایید:

الف. خدای متعال در آیه ۲۸ سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ...﴾؛ مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی گیرند.

منظور از کلمه «أَوْلِيَاءَ» با توجه به زمان نزول، محبت و مودت است نه عهد و سوگند؛ چون در زمان نزول سوره آل عمران بین مسلمان‌ها و مشرکان و یهود، معاهده‌ها و قراردادهایی بسته شده بود. (۷۴)

ب. قرآن کریم در آیات ۷۶ و ۷۷ سوره فصلت می‌فرماید: ﴿... وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾؛ ... و ای بر مشرکان، آنان که زکات نمی‌دهند و به جهان واپسین کافرند.

به قرینه مکی بودن آیه، «زکات» به معنای صدقه است نه فریضة زکات که در مدینه تشریح شده است. (۷۵)

همچنین «زکات» در سوره‌های اعلی، لیل، و مؤمنون به معنای صدقه (۷۶) و «نماز» در سوره‌های مدثر و واقعه به معنای توجه به خدا همراه با خضوع بندگان و «اطعام مسکین» به معنای مطلق انفاق بر محتاجان برای رضای خداست. (۷۷)

۳-۱. حوزه فهم صحیح آیات و ابطال تفسیر ناصحیح

آگاهی از زمان و مکان نزول آیات و سور در فهم آنها تأثیر بسزایی دارد. هریک را جداگانه بررسی می‌کنیم:

۳-۱-۱. آگاهی از زمان نزول

دانستن زمان نزول تأثیر بسزایی در فهم صحیح آیات و شناخت صحت و سقم تفسیرها دارد. (۷۸) برای اثبات آن،

چند نمونه از آیات را یادآور می‌شویم:

الف. قرآن کریم در آیه ۹۰ سوره «حجر» می‌فرماید: ﴿كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ﴾؛ آن‌سان که [عذاب‌ی] بر بخش‌کنندگان فروفرستادیم.

یکی از دیدگاه‌ها در تفسیر آیه شریفه این است که منظور از «الْمُقْتَسِمِينَ» یهود و نصاری هستند که قرآن را به این صورت تقسیم کردند که به بعضی ایمان دارند و به بعضی دیگر ایمان ندارند. در اثبات این دیدگاه به آیه ۷۲ سوره آل عمران استشهد کرده‌اند که می‌فرماید: ﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَاتَّكُفُّوا أَعْرَضُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾؛ گروهی از اهل کتاب گفتند: به آنچه بر مؤمنان فرو آمده، در آغاز روز ایمان آرید و در پایان روز انکار کنید، تا مگر [از دین خود] بازگردند [یعنی در شک افتند]. در حالی که با توجه به زمان نزول سوره حجر این تفسیر را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا سوره حجر در مکه نازل شده؛ در زمانی که هنوز رسول خدا ﷺ گرفتار مخالفت‌های یهود و نصاری نشده بود و آن تفسیر زمانی صحیح است که سوره حجر در مدینه نازل شده باشد. بنابراین، با توجه به زمان نزول آیه، «الْمُقْتَسِمِينَ» گروهی از قریش بودند که در اوایل بعثت برای خاموش کردن قرآن قیام کردند؛ گروهی گفتند قرآن سحر است و عده‌ای گفتند ساختگی است تا به این وسیله مردم را از راه خدا بازدارند. (۷۹)

ب. خداوند در آیه شریفه ۶۷ از سوره مائده می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...﴾؛ ای پیامبر، آنچه را از سوی پروردگارت به تو فرو آمده برسان و اگر این نکنی پیام او را نرسانده باشی و خدا تو را از [فتنه و گزند] مردم نگاه می‌دارد.

این آیه کریمه بیانگر دو نکته است:

۱. فرمان به رسول خدا ﷺ که پیغام تازه‌ای را به بشر ابلاغ کند.

۲. وعده نگاهیانی از آن بزرگوار در برابر هر خطر متوجه جان حضرت یا پیشرفت اسلام که ممکن است در این ابلاغ پیش بیاید.

اگر این سوره در اوایل هجرت نازل شده بود این احتمال می‌رفت که بگوییم با توجه به سیاق آیات سوره که بیانگر حال اهل کتاب است، پیغام در خصوص اهل کتاب بوده و این خطر ممکن بوده از اهل کتاب به حضرت برسد. (۸۰) اما با ملاحظه زمان و مکان نزول سوره که در سال دهم، هنگام بازگشت رسول الله ﷺ از حجة الوداع، (۸۱) در غدیر خم بوده است (۸۲) و در این زمان بیشتر اهل کتاب ایمان آورده بودند و برخی نیز با پرداخت جزیه تحت حمایت دولت اسلامی زندگی می‌کردند، ممکن نیست آن حضرت از اهل کتاب بترسد یا احساس خطر کند؟ (۸۳) بر پایه دیدگاه دیگر در تفسیر آیه، مقصود از «مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ» ناسزاگویی به بت‌ها و عیب‌جویی از دین مشرکان یا دستور جهاد و قتال با آنان است. (۸۴) در حالی که نقل شده در زمان فتح مکه (سال هشتم هجری) بت‌ها شکسته شد. (۸۵) با این توضیح که در آخرین سال‌های عمر پیامبر ﷺ موردی برای سب بت‌ها یا جنگ با مشرکان وجود ندارد. بنابراین، با توجه به زمان و مکان نزول، دیدگاه باورمند به نزول آیه درباره ولایت حضرت علی عليه السلام تثبیت می‌شود. روایات نیز به این دیدگاه صحه می‌گذارد. (۸۶)

چنین مواردی که ابهام آیات با توجه به زمان نزول برطرف شود، در قرآن کریم فراوان مشاهده می‌شود. از این جمله است که روشن شدن مضامین آیات سوره فتح ناظر به سفر پیامبر ﷺ در سال ششم هجری از مدینه به مکه به منظور زیارت خانه خدا. این سفر سرانجام به صلح حدیبیه - مؤثرترین عامل برای فتح مکه - انجامید.

۳-۲. آگاهی از مکان نزول

موارد اثرگذاری شناخت مکان نزول بر فهم مقصود آیات در جهاتی شبیه به تأثیرات شناخت زمان نزول است؛ اما آیاتی هستند که فهم مقصود آنها و اشاراتی که در آن وجود دارد مستلزم شناخت مکان نزولشان می‌باشد. به نمونه‌هایی توجه فرمایید:

الف. قرآن کریم در آیه ۴۲ سوره انفال می‌فرماید: ﴿إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَالرَّكُوبُ الْأَسْفَلُ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لَا خُنْفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أُمُراً كَانَ مَفْعُولاً لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتِنَا وَيَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَن بَيْتِنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَكَسَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾؛ آن‌گاه که شما بر دامنه نزدیک‌تر [کوه] بودید و آنان در دامنه دورتر [کوه]، و سواران [دشمن] پایین‌تر از شما [موضع گرفته] بودند، و اگر با یکدیگر وعده‌گذارده بودید، قطعاً در وعده‌گاه خود اختلاف می‌کردید، ولی [چنین شد] تا خداوند کاری را که انجام‌شدنی بود به انجام رساند [و] تا کسی که [باید] هلاک شود، با دلیلی روشن هلاک گردد، و کسی که [باید] زنده شود، با دلیلی واضح زنده بماند، و خداست که در حقیقت شنوای داناست.

آیه پیشین و بخشی از آیات قبل و بعد آن، در خصوص جنگ بدر در مدینه نازل شده است. در این رویارویی، مشرکان با اینکه دارای عده و عده بسیار بودند در قسمت بلندی بیابان در جایی که آب در دسترس ایشان و زمین زیر پایشان محکم بود فرود آمدند و مؤمنان با شمار کم و ضعف نیرویشان (ابزار جنگی) در قسمت پایین بیابان در زمینی ریگزار و بی‌آب، اردوگاه دایر کرده بودند. ابوسفیان با اطلاع از حرکت مسلمانان، کاروان را از پایین اردوگاه مؤمنان به سرعت به مکه نزدیک ساخته و از سوی دیگر ماجرا را به اطلاع اهل مکه رسانده بود. از آنجا که مردم مکه در کاروان سهیم بودند، بی‌درنگ بسیج

شدند و لشکر مجهزی به سوی پیامبر ﷺ و اصحابش حرکت دادند.

خداوند در این آیه با بیان موقعیت مسلمانان، امدادهای غیبی الهی را مایه پیروزی آنها در جنگ بدر معرفی می‌کند. به طور قطع پیروزی در چنین اوضاعی جز مشیت خاص الهی و قدرت‌نمایی‌اش بر نصرت و تأیید مؤمنان چیز دیگر نمی‌تواند باشد. (۸۷) با شناخت محل نزول آیه، موقعیت جغرافیایی جنگ بدر و چگونگی امدادسانی پروردگار به طور محسوس برای ما آشکار می‌شود.

ب. قرآن کریم در آیه ۱۸ سوره فتح می‌فرماید: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحاً قَرِيباً﴾؛ هر آینه خدای از مؤمنان خشنود شد آن‌گاه که با تو در زیر آن درخت [در حدیبیه] بیعت می‌کردند، آنچه را در دل‌هاشان بود [از راستی و پاکی نیت و وفا] دانست، پس آرامش را بر آنان فرو آورد و ایشان را پیروزی نزدیک [فتح خیبر] پاداش داد.

با دانستن مکان نزول به دست می‌آید که منظور از «تَحْتَ الشَّجَرَةِ» چه درختی است. این آیه مربوط به بیعت حدیبیه است که در زیر درختی به نام «سمره» واقع شد و مؤمنان همراه حضرت با ایشان بیعت کردند؛ از این رو، فتح قریبی که در آیه مطرح شده فتح خیبر است نه فتح مکه. (۸۸)

۴. شناخت مصادیق آیات

با یاری گرفتن از قرینه زمان و مکان نزول، می‌توان به مصادیق حقیقی عبارات قرآنی پی برد. یادآوری چند نمونه آیات در تعیین مصداق آنها گواه این نقش است:

الف. قرآن کریم در آیه ۴۳ سوره رعد می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسِلاً قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾؛ و کسانی که کفر

صرف نظر از سیاق آیات، به دلیل نزول آیه در مکه، مصداق جهاد در این آیه، مبارزه با نفس است نه قتال با کفار. یعنی مردم باید به خاطر سعادت خودشان ایمان خود را محکم نگه دارند و در برابر شداید و ناملازمات صبر کنند. (۹۳)

۵. حوزه ابطال روایات اسباب نزول

یکی از قرائن فهم قرآن کریم اسباب نزول آیات است. برای بهره‌گیری از اسباب نزول در تفسیر لازم است صحت آن نقل روشن شود، به ویژه اینکه تمام روایات اسباب نزول مستند نیستند. (۹۴) تعیین زمان و مکان نزول و توجه به آن، ملاک ارزشمندی برای تشخیص نادرستی برخی روایات اسباب نزول است.

۵-۱. تأثیر زمان نزول

الف. خداوند در آیه ۱۱۳ سوره توبه می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلِيَا قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾؛ پیامبر و کسانی را که ایمان آورده‌اند نرسد که برای مشرکان، هرچند خویشاوند باشند، آمرزش خواهند پس از آنکه برایشان روشن شد که آنها دوزخیان‌اند.

بعضی از مفسران ذیل آیه، روایتی جعلی را به عنوان سبب نزول آن بیان کرده‌اند، با این مضمون که هنگام فوت ابوطالب، پیامبر ﷺ به او پیشنهاد داد که اسلام را بپذیرد. اما او تحت تأثیر مشرکانی که اطراف او بودند بدون گفتن «لا اله الا الله» از دنیا رفت. در این هنگام آن حضرت فرمودند: برایت استغفار خواهم کرد تا زمانی که نهی شوم.

به دنبال این قضیه آیه مذکور نازل شد. این سبب نزول با توجه به زمان نزول پذیرفته نیست؛ زیرا سوره براءت سال نهم هجری و در مدینه نازل شده است، (۹۵) در حالی که مورخان نوشته‌اند ابوطالب قبل از هجرت پیامبر ﷺ در

ورزیدند گویند: تو فرستاده [خدا] نیستی بگو: میان من و شما خدا گواهی بسنده است و آن که دانش کتاب [قرآن] نزد اوست.

مفسران در مورد مصداق «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» دیدگاه‌های متفاوتی دارند. به باور بعضی، مصداق آن، عده‌ای از علمای اهل کتاب مانند عبدالله بن سلام و سلمان فارسی‌اند که اسلام آوردند یا مراد، تنها عبدالله بن سلام است. (۸۹) این دیدگاه با شناخت زمان و مکان نزول آیه مورد نظر رد می‌شود. سوره رعد قبل از هجرت رسول اکرم ﷺ در مکه نازل شده، در حالی که افراد مذکور در مدینه و بعد از هجرت ایمان آورده‌اند. پس آن افراد نمی‌توانند مصداق این آیه باشند. ممکن است گفته شود: چه اشکالی دارد آیه مکی باشد و از افرادی (دانشمندانی از اهل کتاب) خبر دهد که بعدها در مدینه مسلمان می‌شوند. پاسخ این است که معنا ندارد در جواب کسانی که رسالت حضرت رسول ﷺ را نپذیرفته‌اند گفته شود: شما امروز او را تصدیق کنید به این دلیل که بعدها گروهی از علمای اهل کتاب مسلمان می‌شوند و بر رسالت او شهادت می‌دهند. بنابراین، منظور از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» آگاهان بر محتوای قرآن مجیدند و بر گروندگان به پیامبر اکرم منطبق است. پس بی‌گمان مصداق آیه شریفه حضرت علی عليه السلام است؛ چون به شهادت روایات صحیح از تمام امت مسلمان به کتاب خدا دانایتر است. (۹۰) و این بزرگوار مصداق تام و کامل این آیه به شمار می‌آید. (۹۱) نزول آیه شریفه در مکه این برداشت را تأیید می‌کند. (۹۲)

ب. خداوند در وصف مجاهدان می‌فرماید: ﴿وَمَنْ جَاهِدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (عنکبوت: ۶)؛ و هر که جهاد کند جز این نیست که به سود خویش جهاد می‌کند، زیرا که خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.

۵-۲. تأثیر مکان نزول

قرینه مکان نزول نیز این مهم را در برخی آیات به انجام می‌رساند. برای نمونه خداوند در آیه ۶۷ سوره مائده می‌فرماید: ﴿... وَاللَّهُ يَعِصُكَ مِنَ النَّاسِ...﴾؛ و خدا تو را از [فتنه و گزند] مردم نگاه می‌دارد... در سبب نزول این آیه شریفه از ابن عباس روایت شده که «نگهبانانی از بنی هاشم که ابوطالب گماشته بود، از پیامبر حفاظت می‌کردند تا اینکه آیه مورد بحث نازل شد و ابوطالب باز می‌خواست برای حضرت محافظ بفرستد، حضرت فرمود: ای عمو، خدا مرا از شر جن و انس نگاه می‌دارد.» (۱۰۲)

مهم‌ترین دلیل بطلان این ادعا (حفاظت از پیامبر در مکه)، مکان نزول آیه است. اکثر مفسران باور دارند که سوره مائده در مدینه (۱۰۳) نازل شده و این آیه از آخرین آیات نازل شده در مدینه است، در حالی که حضرت ابوطالب در مکه رحلت فرموده بود. (۱۰۴)

۶. حوزه تصدیق روایات اسباب نزول

یکی دیگر از فواید آگاهی به زمان و مکان نزول آیات، تصدیق روایات اسباب نزول است. در این باره برای هر یک از زمان و مکان نزول یک شاهد می‌آوریم:

۶-۱. زمان نزول

در میان روایاتی که در سبب نزول آیه شریفه ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا...﴾ (نساء: ۹۲) روایت شده که آیه درباره عیاش بن ابی‌ربیع منخرومی و حارث بن یزید بن نبیسه نازل شده است. حارث از مکه به سوی مدینه حرکت می‌کند تا نزد رسول خدا ﷺ اسلام آورد. در بین راه در حره به عیاش برمی‌خورد. عیاش که حارث او را شکنجه کرده بود به خیال اینکه او هنوز کافر است فرصت را غنیمت شمرده، او را به

مکه وفات کرده است. (۹۶) به این دلیل بعضی برای برطرف کردن مشکل زمان نزول آیه دست به توجیح‌هایی زده‌اند، (۹۷) از جمله اینکه پیامبر ﷺ بعد از مرگ ابوطالب همچنان برای او آموزش می‌خواستند تا زمان نزول آیه که از استغفار نهی شدند. (۹۸) لکن در این زمینه به هیچ روایتی استناد نکرده‌اند. در هر صورت این احتمالی بیش نیست و قابل اعتنا نمی‌باشد. (۹۹)

ب. قرآن کریم در آیه ۲۱۴ سوره شعراء می‌فرماید: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾؛ و خویشان نزدیکت را هشدار ده. و نیز در آیه اول سوره تبت آمده است: ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ﴾. درباره سبب نزول این آیه شریفه: «از ابن عباس روایت شده که وقتی آیه ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ نازل شد، رسول خدا ﷺ بر بالای صفا رفت و با بلندترین صوتش فریاد زد یک خبر مهم، و قریش بدون درنگ دورش جمع شدند، پرسیدند مگر چه شده است؟ فرمود: به نظر شما اگر خبری بدهم که فردا صبح یا امروز عصر دشمنی بر سر شما می‌تازد آیا آن را از من می‌پذیرید یا نه؟ همه گفتند: بلی [چون تاکنون از تو دروغی نشنیده‌ایم]. فرمود: هم‌اکنون شما را هشدار می‌دهم از عذابی سخت که در انتظار شماست. ابولهب گفت: «تبا لک» (مرگت باد)، برای این خبر همه ما را صدا زدی و اینجا جمع کردی؟ خدای عزوجل در پاسخ وی سوره ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ﴾ را نازل کرد. (۱۰۰)

این روایت بر نزول سوره تبت بعد از سوره شعراء دلالت دارد. این سبب نزول به دعوت مردم اشاره دارد و آیه به دعوت خوشاوندان؛ افزون بر این تعارض، این سبب نزول با روایات زمان نزول این دو سوره نیز ناسازگار است. روایات ترتیب نزول، زمان نزول سوره تبت را پیش از سوره شعراء بیان کرده‌اند و به بطلان سبب نزول یاد شده که نزول سوره شعراء را مقدم می‌شمارد، دلالت دارند. (۱۰۱)

قتل می رساند. سپس نزد رسول خدا می آید و ماجرا را تعریف می کند. به دنبال این قضیه آیه مورد نظر نازل می شود. (۱۰۵) علامه طباطبائی نیز این روایت را پذیرفته است. زمان نزول سوره نساء که از سوره های مدنی است، این روایت را تأیید می کند. (۱۰۶)

۲-۶. مکان نزول

از مواردی که شناخت مکان نزول روایت سبب نزول را تأیید می نماید، این است که در سبب نزول آیه ۵۵ سوره مائده از ابوذر نقل شده است: «روزی با پیامبر ﷺ مشغول خواندن نماز ظهر بودم. سائلی در مسجد، سؤال کرد و کسی چیزی به او نداد. وی دستش را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا گواه باش در مسجد پیامبر، سؤال کردم و احدی مرا دستگیری نکرد. در این وقت علی عليه السلام که مشغول رکوع بود با انگشت دست راستش - که در آن انگشت بود - به سائل اشاره کرد و او انگشت را از انگشت حضرت بیرون آورد. اینها در برابر چشم پیامبر گرامی انجام گرفت. همین که از نماز فارغ شد، سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا برادرم موسی از درگاہت درخواست کرد: پروردگارا، سینه ام را بگشای، کارم را آسان و زیانم را باز کن تا سخنم را بفهمند. برادرم هارون را که از خویشان من است، وزیر من گردان، پشتم را به او قوی کن و او را در کارها شریکم گردان. (۱۰۷) تو به او وحی کردی که: به زودی بازویت را به برادرت محکم می کنیم و برای شما قدرتی قرار می دهیم که آنها به شما دست نیابند. (۱۰۸) پروردگارا، منم محمد پیامبر و برگزیده تو. خدایا، سینه ام را بگشای و کارم را آسان و علی را وزیر من گردان، و پشت مرا به او محکم کن. ابوذر گفت: به خدا سوگند، هنوز سخن پیامبر تمام نشده بود که جبرئیل از جانب خدا نازل شد (۱۰۹) و آیه ﴿إِنَّمَا وَرِثِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾

را نازل فرمود. سبب نزول این آیه مورد قبول بیشتر مفسران (۱۱۰) است. با توجه به مکان نزول این سوره (مدینه) که نماینگر دوران اقتدار اسلام می باشد سبب نزول تأیید می شود. علاوه بر تأثیرات و فواید مذکور، آثار دیگری نیز بر شناخت زمان و مکان نزول آیات بار می شود:

۱. پیشگیری از کج فهمی ها و بدفهمی ها و تفسیر به رأی و پیش فرض های ذوقی و تحمیلی؛
۲. تعمیق و توسعه فهم های سطحی و محدود از قرآن؛
۳. کشف بسیاری از آموزه های ناشناخته قرآن؛ (۱۱۱)
۴. آگاهی بر فضای نزول و اوضاع و مناسبت های مربوط به آیات. (۱۱۲)

نتیجه گیری

با توجه به آنچه ذکر گردید، می توان گفت:

۱. یکی از عوامل مؤثر در فهم مقصود حقیقی خداوند متعال از آیات قرآن کریم، آگاهی از زمان و مکان نزول سوره ها و آیات است. با دانستن زمان و مکان نزول، بر فضایی که سوره ها در آن نازل شده آگاهی حاصل می شود و تصویر کلی از مضامین سوره ها و آیات در ذهن نقش می بندد و حکمت نزول آنها به روشنی آشکار می شود.
۲. دانستن زمان و مکان نزول در فهم محتوای کلی سوره ها و فهم واژگان و در نهایت در فهم صحیح آیات قرآنی نیز تأثیر دارد.
۳. تعیین زمان و مکان نزول و توجه به آن، ملاک ارزشمندی برای تصحیح بسیاری از روایات، از جمله روایات اسباب نزول است و چون روایات اسباب نزول یکی از قراین فهم مقصود است، با شناخت صحت و سقم روایات یادشده از افتادن در تفسیر نادرست آیات می توان پرهیز کرد و راه را بر فهم مقصود آیات هموار ساخت.

- فرصت، روزگار و... و «Date» زمان، تاریخ و... .
- Abbas Aryanpur Kashani & Manoochehr Aryanpur Kashani, *The English-Persian Collegiate Dictionary*, v. II, p. 2317; v. I, p. 548.
- ۲۰- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۲۷، ص ۴۲۸.
- ۲۱- اسماعیل بن حماد جوهری، تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۵، ص ۲۱۳۱.
- ۲۲- محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۹۹.
- ۲۳- محمد بن یعقوب فیروزآبادی، همان، ج ۴، ص ۲۳۳.
- ۲۴- محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۱۲۲۸.
- ۲۵- علی اکبر دهخدا، همان، ج ۲۷، ص ۴۳۰.
- ۲۶- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۱۷ و ۱۶؛ سید محمدباقر حکیم، علوم قرآنی، ترجمه محمدعلی لسانی فشارکی، ج ۱، ص ۲۵ و ۲۶.
- ۲۷- فرقان: ۳۲.
- ۲۸- فرقان: ۳۳.
- ۲۹- در انگلیسی «مکان» مطابق است با «Place»: فضا، جا، مکان، ناحیه، نقطه، محل و... «Location»: موقعیت، تعیین محل و... .
- Abbas Aryanpur Kashani & Manoochehr Aryanpur Kashani, op.cit, v. II, p. 1638; v. I, p. 1268.
- ۳۰- محمد معین، همان، ج ۴، ص ۳۰۷۷.
- ۳۱- فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۷، ص ۱۲۶.
- ۳۲- ر.ک: علی اکبر دهخدا، همان، ج ۴۵، ص ۹۷۵؛ خلیل بن احمد فراهیدی، همان، ج ۵، ص ۳۸۷.
- ۳۳- محمد بن یعقوب فیروزآبادی، همان، ج ۴، ص ۲۷۴؛ حسین راغب اصفهانی، همان، ص ۷۷۲ و ۷۷۳.
- ۳۴- همان، ج ۲، ص ۱۱۴.
- ۳۵- احمد بن فارس، همان، ج ۲، ص ۳۵۵.
- ۳۶- خلیل بن احمد فراهیدی، همان، ج ۷، ص ۲۴۷.
- ۳۷- سید محمدمرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳، ص ۳۲۳.
- ۳۸- ابن منظور، همان، ج ۵، ص ۵۵.
- ۳۹- احمد بن محمد فیومی، همان، ص ۴۷۳.
- ۴۰- محمد بن درید، جمهرة اللغة، ج ۲، ص ۷۱۸.
- ۴۱- راغب اصفهانی، همان، ص ۶۳۶؛ احمد بن محمد فیومی، همان، ص ۴۷۲.
- ۴۲- فرقان: ۳۳.
- ۴۳- برای آگاهی بیشتر، ر.ک: علی اکبر بابایی و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، ص ۱۲-۲۳.
- پی نوشت ها**
- ۱- مانند: شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ محمود بن عمر زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل.
- ۲- مؤید مطلب اینکه امام علی علیه السلام در اعلام آگاهی خود از علوم مربوط به قرآن، به اطلاع از تاریخ نزول هم استشهاد کرده اند: «لَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْ آيَةٍ آيَةٍ لَأَخْبِرْتُمْ بِوَقْتِ نَزُولِهَا وَ فِيْمَ نَزَلَتْ وَ أَتْبَأْتُكُمْ بِنَاسِخِهَا مِنْ مَنْسُوخِهَا وَ خَاصِّهَا مِنْ عَامِّهَا وَ مُحْكَمِهَا مِنْ مُتَشَابِهِهَا وَ مَكِّيَّهَا مِنْ مَدْيَنِيَّهَا.» (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۴۴؛ عبیدالله بن احمد حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۵؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۹۶).
- ۳- مانند: ملأحویش آل غازی، بیان المعانی؛ محمد عزت دروزه، التفسیر الحدیث.
- ۴- بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن؛ جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن و از اندیشمندان معاصر مانند: محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن؛ عبدالرزاق حسین احمد، المکی و المدنی فی القرآن الکریم؛ جعفر نکونام، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن.
- ۵- محمد بن یعقوب فیروزآبادی، قاموس المحيط، ج ۴، ص ۵۷.
- ۶- احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ص ۶۰۰.
- ۷- خلیل بن احمد فراهیدی، ترتیب کتاب العین، ج ۷، ص ۳۶۷.
- ۸- ر.ک: احمد بن فارس بن زکریای رازی، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۵۵۴.
- ۹- بقره: ۷۴.
- ۱۰- بقره: ۶۱.
- ۱۱- شعراء: ۱۹۳.
- ۱۲- نمل: ۶۰.
- ۱۳- ر.ک: حسین راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۳۲.
- ۱۴- ر.ک: حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۲۳۵.
- ۱۵- ر.ک: بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۲۹؛ جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۲۴ و ۱۲۵.
- ۱۶- ر.ک: محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص ۱۸۱.
- ۱۷- ر.ک: محمدباقر سعیدی روشن، علوم قرآن، ص ۱۳۵.
- ۱۸- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸.
- ۱۹- در انگلیسی «زمان» مطابق است با واژه های «Time» وقت،

- ۴۴- معنایی که با قطع نظر از سایر آیات، ادله و شواهد دیگر از آیه فهمیده می‌شود.
- ۴۵- ر.ک: علی اکبر بابایی و دیگران، همان، ص ۲۳.
- ۴۶- سید محمدباقر حکیم، همان، ج ۱، ص ۲۲۶.
- ۴۷- احمدبن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۱، ص ۴۰۲.
- ۴۸- آل‌عمران: ۱۲۱ و ...
- ۴۹- آل‌عمران: ۱۲۵ و ۱۴۹ و ...
- ۵۰- آل‌عمران: ۶۱.
- ۵۱- آل‌عمران: ۱۸۷ و ...
- ۵۲- آل‌عمران: ۲۰۰.
- ۵۳- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، ص ۶۰۵؛ سید علی اکبر قرشی، تفسیر احسن‌الحديث، ج ۲، ص ۲؛ سید قطب، فی ضلال القرآن، ج ۱، ص ۳۴۹ و ۳۵۰.
- ۵۴- ر.ک: فضل‌بن حسن طبرسی، همان، ج ۶، ص ۱۷۸؛ محمدبن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۶، ص ۳۰؛ اسماعیل‌بن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن‌العظیم، ج ۳، ص ۳؛ مطهرین طاهر المقدسی، البدء و التاريخ، ج ۱، ص ۲۶۹.
- ۵۵- مائده: ۱.
- ۵۶- مائده: ۲.
- ۵۷- مائده: ۱۷ و ۲۰-۲۶ و ...
- ۵۸- مائده: ۱۱۲-۱۱۵.
- ۵۹- مائده: ۵ و ۵۵ و ۸۸ و ...
- ۶۰- مائده: ۶.
- ۶۱- مائده: ۳.
- ۶۲- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۵، ص ۱۵۷؛ سید قطب، همان، ج ۲، ص ۸۲۵-۸۲۷.
- ۶۳- سید علی اکبر قرشی، تفسیر احسن‌الحديث، ج ۶، ص ۴۷۵؛ سید قطب، همان، ج ۴، ص ۲۳۶۵-۲۳۶۶.
- ۶۴- همان، ج ۱۴، ص ۲۴۴.
- ۶۵- انبیاء: ۱.
- ۶۶- انبیاء: ۲.
- ۶۷- انبیاء: ۵.
- ۶۸- انبیاء: ۳۶.
- ۶۹- انبیاء: ۴۸-۹۶.
- ۷۰- انبیاء: ۴۱.
- ۷۱- انبیاء: ۱۶ و ۲۲-۲۶ و ۳۰-۳۵ و ۴۲.
- ۷۲- انبیاء: ۹۷.
- ۷۳- انبیاء: ۱۰۵.
- ۷۴- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۵، ص ۳۷۱.
- ۷۵- ر.ک: همان، ج ۱۷، ص ۳۶۱.
- ۷۶- ر.ک: همان، ج ۶، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.
- ۷۷- ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۶۹.
- ۷۸- ر.ک: محمدکاظم شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، ص ۲۱۱-۲۱۵.
- ۷۹- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۹۴.
- ۸۰- کسانی مانند فخر رازی این احتمال را پذیرفته‌اند. (ر.ک: فخرالدین رازی، مفاتیح‌الغیب، ج ۱۲، ص ۳۹۹-۴۰۱).
- ۸۱- ر.ک: جلال‌الدین سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۶۰.
- ۸۲- ر.ک: محمدبن مسعود عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۳۳۲؛ جلال‌الدین سیوطی، الدرالمثور فی تفسیرالمأثور، ج ۲، ص ۲۹۸؛ محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹۰؛ عبدالحسین امینی، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ج ۲، ص ۸۸؛ علی‌بن احمد واحدی، اسباب نزول القرآن، ص ۲۰۴؛ ابراهیم‌بن محمد حسینی بلخی قندوزی، ینابیع‌الموده، ج ۱، ص ۱۱۹.
- ۸۳- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۶، ص ۴۲-۴۳.
- ۸۴- ر.ک: رشیدالدین میبدی، کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار، ج ۳، ص ۱۸۰-۱۸۱.
- ۸۵- ر.ک: مطهرین طاهر المقدسی، همان، ج ۲، ص ۷۱۲.
- ۸۶- ر.ک: عبدالحسین امینی، همان، ج ۲، ص ۸۹-۱۰۴.
- ۸۷- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۹، ص ۹۱ و ۹۲.
- ۸۸- ر.ک: همان، ج ۱۸، ص ۴۲۵.
- ۸۹- ر.ک: سید محمود آلوسی، روح‌المعانی فی تفسیر القرآن‌العظیم، ج ۷، ص ۱۶۵-۱۶۶؛ جلال‌الدین سیوطی، درالمثور، ج ۴، ص ۶۹.
- ۹۰- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۱، ص ۳۸۵-۳۸۶.
- ۹۱- ر.ک: محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۱، ص ۲۲۹؛ محمدبن حسن‌بن فروخ صفار، بصائرالدرجات، ص ۲۱۲-۲۱۶؛ سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیرالقرآن، ج ۳، ص ۲۷۲-۲۷۸؛ ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۵۴.
- ۹۲- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۱، ص ۳۸۷.
- ۹۳- همان، ج ۱۶، ص ۱۰۳ و ۱۰۷.
- ۹۴- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، قرآن در اسلام، ص ۱۱۸.
- ۹۵- ر.ک: مطهرین طاهر المقدسی، همان، ج ۲، ص ۶۷۷؛ ابن خلدون، العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۱، ص ۴۵۷.
- ۹۶- ر.ک: ابن‌خلدون، همان، ج ۱، ص ۳۶۹۸؛ احمدبن یعقوب

منابع

- آل غازی، عبدالقادر ملّاحویش، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن خلدون، العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، بی جا، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- ابن درید، محمد، جمهره اللغه، بی جا، بی نا، بی تا.
- ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- امینی، عبدالحسین، القدير فی الكتاب و السنه و الادب، چ چهارم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۷ق.
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
- بابایی، علی اکبر و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
- بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- بلعمی، تاریخنامه طبری، چ سوم، تهران، البرز، ۱۳۷۳.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیة المسمی الصحاح، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
- حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- حسینی بلخی قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، کویت، لجنة التراث العربی، ۱۳۸۵ق.
- حکیم، سید محمد باقر، علوم قرآنی، ترجمه محمدعلی لسانی

- یعقوبی، همان، ج ۱، ص ۳۹۸؛ بلعمی، تاریخنامه طبری، ج ۳، ص ۶۱.
- ۹۷- ر.ک: محمد رشیدرضا، تفسیر المنار، ج ۱۱، ص ۵۲-۵۴.
- ۹۸- ر.ک: فخرالدین رازی، همان، ج ۱۶، ص ۱۵۷.
- ۹۹- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، همان، ج ۸، ص ۱۵۷.
- ۱۰۰- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۶؛ ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۷، ص ۳۲۳؛ جلال الدین سیوطی، درالمنثور، ج ۵، ص ۹۶.
- ۱۰۱- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۳۳.
- ۱۰۲- علی بن احمد واحدی، همان، ص ۲۰۵.
- ۱۰۳- عبدالرحمن بن محمد ثعالبی، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۳۴.
- ۱۰۴- ر.ک: محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۳، ص ۴۱۳؛ اسماعیل بن کثیر دمشقی، همان، ج ۳، ص ۱۳۹؛ ابو حیان محمد بن یوسف اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ج ۴، ص ۱۵۷ و ۳۲۴.
- ۱۰۵- ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۳، ص ۱۳۸؛ علی بن احمد واحدی، همان، ص ۱۷۳؛ محمد باقر محقق، نمونه بینات در شأن نزول آیات، ص ۲۲۹.
- ۱۰۶- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۵، ص ۴۲.
- ۱۰۷- طه: ۲۵-۳۲.
- ۱۰۸- قصص: ۳۵.
- ۱۰۹- فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۷، ص ۸۴.
- ۱۱۰- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۶، ص ۱۸-۱۶؛ سیدهاشم بحرانی، همان، ج ۲، ص ۳۱۶ و ۳۱۷؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۷۰؛ عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۳-۶۴۸؛ محمد باقر محقق، همان، ص ۲۹۳؛ جلال الدین سیوطی، لباب النقول فی اسباب النزول، ص ۸۶؛ علی بن محمد واحدی، همان، ص ۲۰۱ و ۲۰۲؛ ابواسحاق احمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۰؛ محمد بن مسعود عیاشی، همان، ج ۱، ص ۳۲۷؛ عبدالحسین امینی، همان، ج ۲، ص ۵۲ و ۵۳.
- ۱۱۱- ر.ک: جعفر نکونام، همان، مقدمه.
- ۱۱۲- محمد عزت دروزه، التفسیر الحدیث، ج ۱، ص ۹؛ عبدالقادر ملّاحویش آل غازی، بیان المعانی، ج ۱، ص ۴.

- فشارکی، تهران، تیبان، ۱۳۷۸.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه عروسی، *نورالقلین*، چ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- دروزه، محمد عزت، *التفسیر الحدیث*، قاهره، داراحیاء الکتب العربیة، ۳۸۳ق.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
- رازی، فخرالدین، *مفاتیح الغیب*، چ سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
- رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- رشیدالدین میبیدی، احمد بن ابی سعد، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، چ پنجم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- رشیدرضا، محمد، *تفسیر المنار*، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، چ دوم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۵ق.
- سعیدی روشن، محمدباقر، *علوم قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷.
- سید قطب، *فی ظلال القرآن*، چ هفدهم، بیروت، دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
- سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، قم، منشورات رضی، بی تا.
- ، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ، *لباب النقول فی اسباب النزول*، بیروت، داراحیاء العلوم، بی تا.
- شاکر، محمداکظم، *مبانی و روش های تفسیری*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
- صفار، محمد بن حسن بن فروخ، *بصائر الدرجات*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- ، *قرآن در اسلام*، چ نهم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب کتاب العین*، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، بیروت، دارالجلیل، بی تا.
- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، چ دوم، قم، دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
- قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، چ سوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، چ چهارم، قم، دارالکتب، ۱۳۶۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب، ۱۳۶۵.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- محقق، محمدباقر، *نمونه بینات در شأن نزول آیات*، تهران، اسلامی، ۱۳۶۱.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، دبیر، ۱۳۸۲.
- مقدسی، مطهرین طاهر، *البدء و التاریخ*، تهران، آگه، ۱۳۷۴.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- نکونام، جعفر، *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*، تهران، هستی نما، ۱۳۸۰.
- واحدی، علی بن محمد، *اسباب نزول القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
- واقدی، محمد بن سعد، *الطبقات الکبری*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چ ششم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
- Abbas Aryanpur Kashani & Manoochehr Aryanpur Kashani, *The English-Persian Collegiate Dictionary*, Tehran, Sepehr, 1992.